



نقش مدیریت یکپارچه شهری در توسعه فرهنگ شهرنشینی شهر تهران

دکتر علی شماعی

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی

محمد مهدی ابراری

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی

چکیده

مدیریت یکپارچه شهری نظریه نوینی است که در یکی دو دهه اخیر در ایران به صورت رسمی برای کاهش هزینه شهرها به خصوص کلان‌شهر تهران مطرح شده است. ناهماهنگی‌های موجود بین سازمان‌های مدیریتی باعث سردرگمی اداره شهر و اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی شده به گونه‌ای که تصمیم‌گیری سازمان‌ها و دستگاه‌های خدمات شهری در برخی موارد در تضاد با یکدیگرند. امروزه عدم مدیریت یکپارچه شهرها هزینه‌های چندین برابر را بر پیکر اقتصاد شهری تحمیل کرده و در نهایت فرهنگ شهرنشینی را با چالش‌هایی مواجه ساخته است.

هدف از این پژوهش دستیابی به راهکاری جهت یکپارچگی مدیریت شهری و توسعه فرهنگ شهرنشینی و بهره‌گیری از توان‌ها و فرصت‌های موجود در همه بخش‌هاست. روش این پژوهش توصیفی و تحلیلی است که در ابتدا به منظور مباحث نظری، روش تاریخی متکی بر داده‌های موجود مورد توجه قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که متناسب با رشد شهرنشینی در شهر تهران و گسترش سازمان‌ها و ادارات مختلف، تضاد تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها و نابسامانی‌ها در فضاهای شهری تشدید گردیده است. مدیریت شهری با توسعه فرهنگ شهرنشینی رابطه متقابلی دارد. با توجه به نحوه مدیریت شهر، فرهنگ شهرنشینی شکل می‌گیرد.

بررسی‌های انجام گرفته نشانگر آن است که رابطه متقابلی بین مدیران شهری در چگونگی ساخت فضاهای وجود ندارد. فضاهای منظم و زیبا موجب رشد و توسعه فرهنگی می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در شهر تهران بیشترین ناهماهنگی‌ها مربوط به سازمان‌های آب، برق و مخابرات در امور حفاری که موجب آزدگی روحی و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد. این ناهماهنگی‌ها در مناطق جنوبی شهر بیشتر محسوس است و در شمال شهر ناهماهنگی‌ها کمتر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت یکپارچه شهری، فرهنگ شهرنشینی، مدیریت مشارکتی

۱- مقدمه

انقلاب مشروطیت در ایران نقطه عطفی در مدیریت مدرن شهرهای

ایران به شمار می‌آید. پیش از انقلاب مشروطه قوانین مدون و مکتوبی در اداره شهرها وجود نداشت و نظام سنتی متولی اداره امور بود. از اولین قانون بلدیة (۱۲۸۶) تا تشکیل شوراهای اسلامی شهر که نزدیک به یک قرن می‌گذرد همواره میل به تمرکز قدرت به چشم می‌خورد (شیمه، ۱۳۸۲: ۴۰).

در شهرهای ایران از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۵۷ عناصر و نهادهای رسمی جدیدی بر اساس تصمیمات دولت‌های وقت به چرخه مدیریت شهرهای ایران وارد شدند که به نوعی در مدیریت شهری ایران دخالت دارند و هر یک از این سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها به صورت مستقل از یکدیگر فعالیت می‌کنند و در موارد بی‌شماری به علت ناهماهنگی در کار یکدیگر مداخله داشته‌اند و مشکلات و هزینه‌هایی را برای شهر و شهروندان به وجود آورده‌اند. با توجه به دلایل زیر تهیه ساختار یکپارچه و هماهنگ مدیریت شهری لازم و ضروری می‌نماید:

۱- نظام متمرکز اداری و بخشی کشور که سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت سلسله مراتبی بالا به پایین را به وجود آورده است و هر یک از بخش‌ها به طور مجزا اقدام به برنامه‌ریزی و اجرا می‌نمایند.

۲- تعدد و تنوع وظایف شهری

۳- عدم تشکیل مدیریت یکپارچه شهری

۴- عدم توجه به تقسیمات کالبدی در جهت مدیریت یکپارچه شهری موجب ناهماهنگی در اداره امور و کنترل ساختار و کالبد شهری و همچنین موجب عدم توسعه فرهنگ شهرنشینی می‌شود. مشکلات مدیریتی فوق‌الذکر در تمام کلانشهرهای ایران به خصوص شهرهای تهران، مشهد، اصفهان و تبریز وجود دارد.

امروزه با صنعتی شدن جوامع، شهرها نیز به کلانشهرها تبدیل شده و مسائل و مشکلات گوناگون و پیچیده‌ای را ایجاد کرده‌اند. افزایش جمعیت شهرها، خواسته‌ها و نیازهای فزاینده شهرنشینان لزوم بازنگری و در صورت امکان تغییر و تحول در شیوه متداول و اداره امور شهری را امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

عدم هماهنگی دستگاه‌های مجری، نابسامانی‌های شدیدی را در اداره امور شهرها و همچنین توسعه فرهنگ شهرنشینی به وجود آورده است. ضرورت اصلاح و ارائه راهکاری برای اصلاح ساختار مدیریت شهری



پیشی گرفته و علیرغم شکل‌گیری کالبد شهری، آثار روح و فرهنگ شهری کمتر احساس می‌شود و این یعنی کالبد بدون روح و جان که حکایت بیشتر شهرهای ماست. این پژوهش به منظور دستیابی به پاسخ‌های لازم برای سؤالات ذیل می‌باشد:

- تحلیل فضایی مدیریت یکپارچه شهری و توسعه فرهنگ شهرنشینی در تهران چگونه است؟
- راه‌های رسیدن به مدیریت یکپارچه شهری به منظور توسعه فرهنگ شهرنشینی چیست؟

۱-۲- اهداف پژوهش

بر مبنای مسائل فوق اهداف این پژوهش عبارتند از:
- بررسی و تحلیل فضایی تلفیق مدیریت شهری یکپارچه و فرهنگ شهرنشینی.
- دستیابی به ارتقا و توسعه فرهنگ شهرنشینی از طریق وحدت و هماهنگی مدیران شهری و ایجاد مدیریت یکپارچه و کارآمد در سطوح مناطق، نواحی و محلات شهر.

- بهره‌گیری از توان‌ها و فرصت‌های موجود در همه بخش‌ها به ویژه مشارکت شهروندان در مدیریت یکپارچه شهری.

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به روند افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی و تقدم شهرنشینی و شهرسازی، ایجاد بستری مناسب برای رشد و توسعه فرهنگ شهرنشینی توسط مدیران شهری با همکاری و مشارکت مردم لازم و ضروری می‌نماید. هر شهری در کنار ساخت فضاها و کالبد شهر نیازمند برقراری روابط معقول بین محیط طبیعی و فیزیکی با وضع اجتماعی و فرهنگی است لذا در این راستا مدیریت فرهنگی در شهر اهمیت پیدا می‌کند. در شهرهایی که زندگی ماشینی و روابط مجازی منجر به از بین رفتن روابط محله‌ای و منطقه‌ای شده است؛ خصوصاً شدن اوقات فراغت، کاهش ارتباط میان همسایگان و مانند اینها دلیل محکمی بر نیاز ضروری شهرها به مدیریت کامل و جامع شهری در مسائل فرهنگی و اجتماعی است.

۱-۴- روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی انجام گرفته است. داده‌ها و اطلاعات از طریق روش میدانی به کمک مشاهده، مصاحبه و همچنین منابع کتابخانه‌ای داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است. در این پژوهش، ابتدا به منظور مباحث نظری و نظریه‌های موجود، روش تاریخی متکی بر داده‌های موجود و تحقیقات انجام شده مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش در پی تلفیق دو شاخه مدیریت شهری و فرهنگ شهرنشینی است.

روش گردآوری داده‌ها

در پژوهش مورد بررسی همچون سایر تحقیقات انجام شده در حوزه

کاملاً محسوس است که رفع آن نیازمند هماهنگی کامل بین سازمان‌های مختلف شهری می‌باشد. این مهم جز از طریق استقرار سیستم مدیریت شهری یکپارچه حاصل نخواهد شد. یکی از وظایف و اهداف مدیران جامعه، شناخت و تقویت نقاط قوت فرهنگ آن جامعه و سعی بر گسترش آن است. کالبد شکافی ضرورت مداخله و تأثیرگذاری مدیریت شهری در امور فرهنگی و اجتماعی و چگونگی اجرایی شدن آن یکی از مسایل مهمی است که باید مورد بررسی قرار بگیرد.

پس به لحاظ ضرورت، توسعه فرهنگ شهری بیش از همه باید معطوف به شیوه‌های زندگی شهرنشینی و فرهنگ شهرنشینی و هماهنگی و ایجاد تعادل در برنامه ریزی‌های کلان شهری باشد. شهر نمی‌تواند شهری فرهنگی باقی بماند مگر آنکه مدیریت شهری بر عناصر آن شهر مدیریت کند و آن را به یک سرمایه فرهنگی تبدیل سازد. در این راستا بهره‌گیری از مشارکت شهروندان و حرکت برای مدیریت مشارکتی و استفاده از توان بخش خصوصی ضروری است.

۱-۱- طرح مسأله

مسأله امروز شهرهای بزرگ این است که تعادل ضروری بین مشخصه‌های کمی و کیفی برهم خورده و مشخصه‌های کمی نقش تعیین کننده را در شکل‌دهی سازمان فضای شهرهای ما برعهده گرفته‌اند. بی‌توجهی و آگاهی نداشتن حکومت‌های محلی به مسایل فرهنگی و اجتماعی روز و عدم هماهنگی سازمان‌ها در اداره امور شهر زمینه را برای افزایش این بحران‌های شهری هموار کرده است و این احساس را در شهرنشینان ایجاد می‌کند که شاید مدیران شهری قادر به اداره شهر نیستند. در تمام این مسایل ایجاد بستر مناسب و سالم برای برنامه‌ریزی فرهنگی و مدیریت شهری از سوی مدیران لازم الاجراست.

امروزه یکی از کارآمدترین سازوکارهای مدیریت شهری برای رسیدن به مناسبات اجتماعی و مطلوب هزینه‌های وارده در شهر، توجه و برنامه‌ریزی برای ارتقای فرهنگ شهرنشینی در بین شهروندان است. آموزش و توانمندسازی شهروندان برای ارتقای دانش و تقویت مهارت‌ها، کسب عادت‌های صحیح زندگی اجتماعی و به روز، رفتارهای مطلوب شهروندی به ویژه در راه بهره‌گیری مناسب از امکانات شهری از جمله ضرورت‌های مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهرنشینی قلمداد می‌شود. باید توجه داشت مدیریت شهری ابزاری است که به وسیله آن می‌توان توسعه پایدار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را به وجود آورد. از نظر فرهنگی شهر مطلوب علاوه بر مدیریت شهری کارآمد نیازمند شهروندان آگاه و آشنا به حقوق و وظایف شهروندی است.

ضروری است که مدیریت شهری برای آگاه‌سازی عمومی و گسترش شهروندمداری و ارتقای فرهنگ شهرنشینی در زمینه‌های مختلف فعالیت فرهنگی داشته باشد.

تحلیل وضعیت کنونی نظام شهرنشینی در ایران که از شاخصه‌های مهم آن شهرنشینی شتابان و تراکم بی‌رویه جمعیت در کلانشهرها است، نشان می‌دهد که در کلانشهر تهران شهرنشینی فیزیکی بر شهرنشینی فرهنگی



است. از این رو گسترش دامنه مطالعات مدیریت شهری از مؤلفه‌های بنیادی محسوب می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که ساختار نظام مدیریت شهری در وضع موجود با روند افزایشی مطالعات تطبیقی، شرایط لازم را برای تصمیم‌گیریان و تصمیم‌سازان نظام نوین مدیریت شهری فراهم می‌سازد تا با گسترش حوزه‌های خود در تصمیمات آگاهانه‌تر اقدام نمایند. (مزینی، ۱۳۷۷)

در پژوهشی با نام ارائه الگوی مناسب تقسیمات شهری براساس مدیریت یکپارچه شیوه‌های مدیریت شهری به سه دسته کلی شامل سیستم غیرمتمرکز در نظام‌های فدرالی، سیستم غیرمتمرکز در نظام غیرمتمرکز و سیستم نظارتی تقسیم شده است. محقق بر این باور است که وزارتخانه‌ها و سازمان‌های زیادی مستقیم و غیرمستقیم در مدیریت شهری دخالت می‌کنند. وی با اشاره به مطالعه‌ای که درباره مشهد صورت گرفته اظهار می‌دارد که هر سازمان با معیار مورد نظر خود شهر را به منطقه‌های مختلف تقسیم کرده است و ناهماهنگی در تقسیم بندی و معلول مدیریت گوناگون است و راه برون رفت آن مدیریت شهری واحد و یکپارچه است. (نویس، ۱۳۸۲)

در طرح مطالعاتی نقش و جایگاه برنامه جامع میان مدت در توسعه کلان شهرها، شهر مشهد به عنوان مورد مطالعه انتخاب شد که بخشی از گزارش تحقیق به تبیین ضرورت مدیریت یکپارچه در سطح مجموعه شهری از نگاه توسعه عمرانی اختصاص یافته و ناهماهنگی دستگاه‌های خدمات‌رسانی شهری، سازمان‌های دولتی و خصوصی، اتحادیه‌های صنفی و غیره یکی از مشکلات اساسی شهر مشهد معرفی شده است و فرآیند شکل‌گیری مدیریت واحد شهری در شرایط آرمانی در قالب اصلاحات ساختاری در قانون اساسی، تمرکززدایی سیاسی اداری، تشکیل حکومت‌های منطقه‌ای و محلی عملی دانسته شده است. (رهنا و همکاران، ۱۳۸۲)

در سال ۸۶ اسدالله نیاجامی پایان‌نامه‌ای با موضوع شناخت نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در جلب مشارکت مردمی به منظور حفاظت از محیط زیست شهری ارائه داد که هدف از آن شناخت جایگاه و وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و نقش آن در دستیابی به مشارکت مردم به منظور حفاظت از محیط‌زیست شهری و ارائه راهکار و پیشنهاد در جهت بهبود جایگاه و عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور افزایش مشارکت مردم برای حفاظت از محیط زیست شهری بود.

در سال ۸۷ مقاله مدیریت محله و مشارکت مردمی نوشته جمشیدزاده به بررسی مسائل مدیریت شهری و ارتباط قابلیت‌های سازمان‌های محلی و غیردولتی در اداره امور شهری و امکان استفاده از عدم تمرکز پرداخته و با ارائه راهکارهایی برای توسعه شهرداری‌ها به بررسی و تحلیل محصولاتی که شهرداری‌ها به عنوان کالای ویژه در اختیار شهروندان قرار داده‌اند پرداخته است. نتیجه این شد که مدیریت محله در اداره امور شهر و تصمیم‌گیری‌ها در ارتباط با مشارکت مردمی نقش بسزایی دارد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مدیریت واحد و یکپارچه شهری

امروزه محیط کنونی شهرها و ضرورت توسعه و تعالی آنها، بسیاری از دستگاه‌ها و نهادها را وادار می‌سازد تا دارای نقش‌های پیچیده، پویا و

علوم انسانی اطلاعات اصلی تحقیق در بخش‌های چارچوب نظری از طریق مدارک علمی و کتابخانه‌ای و مراجع موجود جمع‌آوری شده است. این اطلاعات از نوع اطلاعات ثانویه می‌باشد که از منابع منتشره و اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۱-۵- پیشینه پژوهش

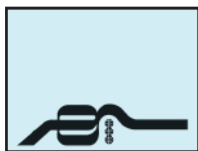
رشد شهرنشینی و وجود مسائلی همچون نبود و یا نداشتن فرهنگ شهرنشینی و شهروندی محققان را بر آن داشته است که در زمینه مدیریت شهری و چگونگی روند این مدیریت که بتواند توسعه فرهنگی را به دنبال داشته باشد، پژوهش‌های گسترده‌ای انجام نگرفته اما به صورت پراکنده نظریات محدودی ارائه گردیده است.

پژوهشی با عنوان کاربرد انجمن شورای محلات در مدیریت شهری پایدار براساس مشارکت شهروندان که توسط مصطفی مؤمنی، هانیه شمس کوشکی و مرجان جوادیان در سال ۲۰۱۱ انجام گرفته است. در پژوهش فوق به این نتیجه رسیده اند، که انجمن شورای محلات که در آن مدیران و شهروندان به صورت یکپارچه و هماهنگ تصمیم‌گیری می‌کنند موجب بهبود کیفیت زندگی شهروندان خواهد شد.

این تحقیق به صورت تجربی است و به طور عمده براساس داده‌های اولیه و مصاحبه و پرسشنامه انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ انجمن شورای محلات در محله‌های اوین و درکه که به عنوان یکی از نمونه‌های مشارکت در مدیریت پایدار شهری تهران است باعث ارتقاء کیفیت زندگی در زمینه‌های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی شده است. نتیجه اینکه تأسیس شوراهای شهرهای ایران یک گام مهم در حال حرکت از یک سیستم متمرکز به سیستم برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و مدیریت شهری براساس مشارکت شهروندان است. در واقع شورای شهر تهران تشکیل انجمن شورای محلات را تشویق به مشارکت گسترده‌ای از شهروندان در امور شهری به خصوص در آب و برق شهری کرده است. بنابراین اتکا به نهادهای دولتی و اخذ نظرات شهروندان منجر به یافتن یکی از اساسی‌ترین مسائل مهم با استفاده از ایده شهروندان شده است (مؤمنی و دیگران، ۲۰۱۱، ۶۵ و ۶۷).

در پژوهش دیگری با نام «به سوی رویکردی منسجم در برنامه‌ریزی پایدار شهری» شهرها به عنوان نیروی محرکه توسعه پایدار در قاره اروپا با بیان اینکه تغییرات اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و نهادی یک شهر به شکل روزافزون در هم تنیده می‌شود، اهمیت پیچیدگی مدیریت شهری و سازمان ارائه‌کننده خدمات را مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند. به عقیده آنها مدیریت شهری روند مشارکتی سازمان یافته و مورد حمایت اجتماعی است که سودمندان در ترسیم چشم انداز دراز مدت می‌توانند به گونه‌ای مطلوب و فعال نقش آفرین باشند (روتمنز و آسلت، ۲۰۰۰).

در طرح مطالعات کاربردی و تحقیقات شهری که در مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور انجام گرفته، گفته شده است که تدوین نظام مدیریت شهری از جمله مهم‌ترین اهداف کیفی مندرج در برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران



و هماهنگ یاری رساند.^۴ برای فرهنگی کردن یک شهر مدیران شهری باید دست به دست هم دهند و در لوای مدیریت واحد شهری در خدمت مردم باشند. یک شهر فرهنگی با مردم فرهنگی مطالبات زیادی دارد که این مطالبات بدون مدیریت واحد شهری جایگاه جدی نمی‌یابد و برای ارتقای فرهنگ شهری به تنهایی توانایی ندارد. در صورت وجود اعتماد میان شهروندان و مدیران شهری توان مدیران در پیاده کردن اهدافشان افزایش می‌یابد.^۵

حفظ و صیانت آثار کهن تاریخی که نشانگر تمدن نیاکان ماست و احداث مساجد، موزه‌ها و دیگر ابنیه نیازمند برنامه‌ریزی است و انجام آن ارتقای فرهنگ شهرنشینی را در پی دارد. مدیریت واحد شهری در ایران بیش از آنکه به موضوع گردشگری و توسعه آن بیندیشد باید به حفظ و انسجام اجتماعی و فرهنگی شهر توجه کند و میزان مشارکت و همکاری مردم را در اداره شهر توسعه دهد.^۶

۲-۲- ناهماهنگی بین سازمان‌ها در شهر تهران

در شهرهای ایران به دلیل شکل‌گیری سیستم متمرکز حکومتی و سیستم بخش اداری در کلیه سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی تعداد مراکز تصمیم‌گیری افزایش یافته و این امر موجب پاره‌پاره شدن وظایف دستگاه‌ها و ارائه خدمات با بالاترین قیمت‌ها برای کنترل و نظارت بر چنین دستگاه‌هایی شده است و در این میان جهت‌گیری در مدیریت شهری است که وجدان‌های بیدار و آگاه شهری را جریحه‌دار کرده است (کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، اسفند ۱۳۸۵). ناهماهنگی موجود در مدیریت شهری، اداره شهر تهران را با مشکل روبه‌رو کرده است. در حال حاضر، امر مربوط به آب، برق، گاز، تلفن، بهداشت، مسکن و سایر امور تصمیم‌گیری برای ارائه خدمات شهری بعضاً ناهماهنگ صورت می‌گیرد و پایتخت حداقل در ۲۰ سازمان مختلف، متولی مشخصی ندارد. شوراهای وزارت کشور ضمن تأکید بر جدی بودن دولت در واگذاری برخی امور اجرایی، ۲۳ وظیفه قابل واگذاری به تدریج به شهرداری‌ها واگذار خواهد نمود (شهرداری تهران، ۱۳۸۵). رشد و توسعه فرهنگی هر جامعه مدیون مدیریت مدبرانه و مقتدرانه‌ای است که بتواند با اعمال مدیریت فرهنگی جامعه را از مرحله‌ای محدود و نامناسب که فضای تنفس فرهنگی را تنگ کرده عبور دهد و افراد آن جامعه را به بالندگی و توسعه برساند. اگر چنین مدیریتی در جامعه وجود نداشته باشد طبعاً نباید انتظار شکوفایی فرهنگ و مقولات فرهنگی را داشت.

از آنجا که بخش عمده مشکلات و نابسامانی‌های موجود در اداره شهر حاصل عدم توافق یا بی‌توجهی شهرنشینان به شیوه‌های عقلانی زندگی در شهر است باید فرهنگ شهری را آموزش داد و این کار با مدیریت کارآمد و دقیق بر منابع فرهنگی شهر امکان‌پذیر است.

برنامه‌ریزی شهری نیازمند ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده در حوزه فرهنگی و اجتماعی است، یعنی شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌هایی که دارای تجربیاتی در برنامه‌های فرهنگی هستند و لازمه حل بحران ناهماهنگی و تفرقه‌های موجود بین سازمان‌ها، اصلاح رفتار شهروندان و وجود فرهنگ مناسب شهرنشینی است.^۷

گونگونگی باشند. در این میان، بی‌تردید مرزهای سنتی از بین رفته، وظایف دستگاه‌های مختلف درهم آمیخته و برای خدمات‌رسانی مطلوب، ناگزیر دارای برهم کنش و وابستگی بسیاری می‌شوند. در چنین شرایطی، دستگاه‌ها و سازمان‌ها باید از رویکردهای مناسبی به منظور ایجاد هم‌افزایی به عنوان یک مؤلفه راهبردی مهم استفاده کنند. «مدیریت واحد شهری» یکی از آن رویکردهاست.

هنری پیرن در کتاب شهرهای قرون وسطایی استدلال می‌کند که دو مشخصه در توسعه یک فرهنگ شهری نقش اساسی داشتند: طبقه سرمایه‌دار یا طبقه متوسط که این طبقه به تجارت برای دستیابی به دو امر استقلال سیاسی از صاحبان قدرت فئودالی غیرشهری و ثروت وابسته است و یک سازمان همگانی از شهروندان که برای رهایی شهر از کنترل لردهای فئودال یا مقامات مذهبی، یکپارچه‌سازی شهری لازم را ایجاد کند.^۱

به عقیده علیرضا دبیرعضو شورای شهر تهران مدیریت یکپارچه شهری به دنبال حل کردن یا کاهش دادن تفرقه‌های موجود در نظام مدیریت شهری است که این هماهنگی از طریق نزدیکی دیدگاه‌ها، یکپارچه کردن سیستم‌ها و عملکردها و کارآمد کردن فرآیندها به دست می‌آید.

برای ساماندهی امور فرهنگی شهرها لازم است که حتی‌المقدور کلیه فعالیت‌های فرهنگی شهر تحت یک مدیریت واحد اداره شود تا از موازی کاری‌های احتمالی و نیز کم کاری در برخی از امور دیگر جلوگیری شده و همواره دستگاه یا دستگاه‌هایی پاسخگوی مسائل فرهنگی شهر باشند و طوری نباشد که بدلیل تداخل مسئولیت‌های مشابه، کسی از زیر بار مسئولیت آن شانه خالی کند!

خوشبختانه مدتی است که مقوله مدیریت واحد شهری از سوی دولت در حال پیگیری است و در این میان، محوریت کار را به عهده شهرداری‌ها گذارده‌اند که لازم است برای تحقق این امر ساز و کار و امکانات لازم را نیز در اختیار شهرداری‌ها قرار دهند و گرنه با امکانات و توان فعلی شهرداری‌ها، این امری نشدنی است.

با توجه به فعال شدن شوراهای اسلامی شهرهای سراسر کشور در سال‌های اخیر و گستردگی دامنه اختیارات و فعالیت آنها، نقش تعیین‌کننده آنها در عینیت بخشیدن به مبحث مدیریت واحد شهری غیرقابل انکار است.^۲ حرکت به سوی این نقطه مطلوب نیازمند اقداماتی وسیعی در ساختارهای قانونی، مدیریتی و فرآیندهای حاکم بر مدیریت شهری کشور است که نقطه شروع آن را می‌توان واگذاری اختیارات بیشتر و بالا بردن توانایی مدیریت شهری در کنار توجه به امر شهروندمداری دانست.^۳

مراحل استقرار سازمان مدیریت یکپارچه شهری

از عواملی که می‌توانند نقش مهمی را در رسیدن به مدیریت مطلوب شهری ایفا کنند باید به سیستم درآمد پایدار، ثبات مدیریت شهری، توانمندی نیروی انسانی، تقویت نهادهای هماهنگ‌کننده سازمان‌ها و همچنین بهره‌گیری از مشارکت شهروندان اشاره کرد.

مدیریت واحد شهری و نقش آن در ابعاد مختلف زندگی شهری از بحث‌های مهمی است که می‌تواند ما را در رسیدن به یک توسعه موزون



می‌نماید. لذا برای بالابردن بازدهی کار و افزایش رضایت‌مندی شهروندان از خدمات ارائه شده توسط دستگاه‌های اجرایی، لازم است ضمن هماهنگی بیش از پیش کلیه دستگاه‌های اجرایی به‌نگام ارائه خدمات، بسوی مدیریت واحد شهری گام برداشته و همزمان با انجام این مقدمات، زمینه‌های جلب مشارکت شهروندان نیز بیش از پیش فراهم آید. به مرور زمان فرهنگی بر جامعه حاکم شود که شهروندان، شهرها را قسمتی از هویت خود دانسته و نسبت به مسایلی مرتبط به آنها احساس مسئولیت نموده و در تمامی عرصه‌های کاری مربوط به امور شهر خود حضوری فعال و پویا داشته باشند.

بنابراین مدیریت شهری در صورتی می‌تواند موفق باشد که از پایین‌ترین سطح تا بالاترین سطح آن یعنی از مدیریت شهری، مناطق، نواحی و محلات، لایه‌های سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری وجود داشته باشد. لذا برای مدیریت یکپارچه شهری مهمترین شرط روش شناسانه، اتخاذ رویکرد سیستمی و کل نگر نسبت به مؤلفه‌های توسعه شهر و برقراری انسجام نظام یافته در هر زمینه جغرافیایی و عملکردی است که تحقق چنین شرطی در قالب یک رویکرد استراتژیک به مدیریت شهری است.

۴- راهکارها و پیشنهادها

چنانچه فرهنگ شهرنشینی و شهروندی خود را با تمام مشکلات شهری موجود بالا برده و تقویت کنیم قادر خواهیم بود مبالغ کلان را در جای خود هزینه کنیم تا مشکلات موجود به حداقل برسد.

جهت ارتقای فرهنگ شهرنشینی، مدیران باید به موازات تلاش برای حل مشکلات شهری، به مقوله مهم مهندسی مطلوب و روابط انسانی بپردازند و علاوه بر استفاده از تجربه مشترک شهرهای دنیا توجه خاص به روح انسان ایرانی مسلمان و ویژگی‌هایی که دارای پیشینه غنی فرهنگی است مبذول نمایند.

رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی براساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی از اهداف توسعه‌ای دولت به شمار می‌رود (بند ماده ۱۹۴ قانون برنامه سوم).

۱- فرهنگ مشارکت از طریق فعالیت‌های اقتصادی و همسویی منافع اجتماعی ایجاد شود.

۲- بستر مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی مهیا شود.

۳- در نظام مدیریت شهری انسجام و هماهنگی به عمل آید.

۴- شورای شهر نماینده مردم است و باید بتواند هماهنگی بین بخش عمومی و دولتی را برقرار نماید.

۵- فرهنگ‌سازی در مقوله شهرنشینی در بخش‌های مختلف باید از سنین کمتر انجام شود.

۶- از رسانه‌ها برای آموزش و ارتقاء فرهنگ شهرنشینی استفاده گردد.

۷- مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی به منظور همکاری در مدیریت شهر جلب شود.

۸- اندیشه پیشنهاد ستاد ارتقای فرهنگ شهرنشینی و تصویب آن و وظایفی که در جهت آموزش‌های حقوق شهروندی برای آن تعیین شده است از جمله آموزش‌های فرهنگی، مهارت‌های رفتاری، ترفیخ و... بسیار باعث دلگرمی است.

نامیده می‌شوند. سینما در رهگذر فرهنگ‌سازی و ساخت شهری انسانی از تأثیرگذارترین آثار فرهنگی هنری است و می‌توان از آن در راستای فرهنگ‌سازی بسیاری از مسایل شهری و آموزش نحوه استفاده از خدمات شهری و در عین حال اطلاع‌رسانی درباره حقوق شهروندی استفاده کرد (خبرگذاری صدا و سیما، آذر ۱۹۹۸).

برگزاری جشنواره‌های سینمایی موضوعی، فرصتی برای درگیر کردن ذهن فیلمسازان پیرامون مسایل شهری است. فیلمسازان باید به اهمیت نقش سینما در ترویج فرهنگ شهرنشینی پی ببرند و جشنواره فیلم شهر فرصتی برای تأمل بیشتر هنرمندان سینمایی در قالب‌های مختلف درباره فیلم شهری با پیام اخلاقی است.

عضو شورای عالی سینما تصریح کرد: فیلم‌ها خواسته یا ناخواسته با شهروندان در ارتباطند از این‌رو باید از ظرفیت یادشده در تحقق انسان شهری و شهر انسانی استفاده و برای جلب مشارکت حداکثری مخاطبان در رفع معضلات شهری استفاده کرد.

۳- نتیجه‌گیری

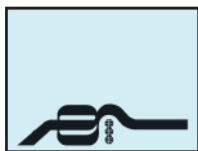
در این مقاله درصد برآمدمی ضمن ارائه دیدگاه‌های مختلف، چالش فرهنگی پیش‌روی شهرنشینی و مدیریت شهری را در کشور و به خصوص کلانشهر تهران مورد بررسی قرار دهیم.

در راستای سؤال اول که مربوط به تحلیل فضایی مدیریت یکپارچه شهری و توسعه فرهنگ شهرنشینی شهر تهران است با توجه به اینکه فضاهای منظم و زیبا موجب رشد و توسعه فرهنگی می‌گردد و بخشی از مسائل و مشکلات شهری تهران را کاهش می‌دهد، مدیریت یکپارچه به منظور هماهنگی و زیبایی فضاهای شهری در شهر تهران بیشتر باید مد نظر قرار گیرد.

نتیجه اینکه رشد و توسعه شهر تهران ناشی از ناهماهنگی سازمان‌ها پیامدهای ناگوار زیست محیطی را به دنبال خواهد داشت. بیشترین ناهماهنگی در امور مربوط به حفاری است که سازمان‌های آب، برق و مخابرات دارای بیشترین ناهماهنگی می‌باشند.

طبق بررسی‌های انجام شده مناطق جنوبی شهر تهران بیشترین ناهماهنگی را دارا هستند و مناطق شمالی کمترین ناهماهنگی. بنابراین متناسب با رشد شهرنشینی در تهران فقدان شکل‌گیری فرهنگ شهرنشینی وجود دارد. هماهنگی معقولی بین ساخت فضاها و کالبد شهر و محیط طبیعی و فیزیکی با وضع اجتماعی و فرهنگی وجود ندارد و لازمه حل این بحران ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و اصلاح رفتار شهروندان و وجود فرهنگ مناسب شهرنشینی است. بنابراین ضرورت رویکرد انسان‌شناسانه و فرهنگی به شهر و نهادینه کردن این رویکرد از طریق توسعه برنامه‌های علمی و فرهنگی و یافتن پدیده‌های بیماری‌زا و تلاش برای یافتن راه‌حل‌های نزدیک و درونی برای از میان بردن این مشکلات راهی است که برای رسیدن به فرهنگ شهری باید طی کرد.

امروزه اداره امور شهرتهران از پیچیدگی خاصی برخوردار شده است و همین امر، ضرورت تجدید نظر کلی و جدی‌ای را در نحوه اداره شهر ایجاب



منابع و مأخذ

- ۱- اردکانی، محمدحسین، گروه مقالات یزدفردا، (پایگاه اینترنتی یزدفردا)، ۱۳۸۹.
 - ۲- بانک اطلاعات نشریات کشور، ۱۳۸۶.
 - ۳- پیران، پرویز، فرهنگ شهری، ۱۳۸۰.
 - ۴- حسینی، زهرا؛ عاطفه صنیعی، بررسی امکان سنجی استقرار مدیریت یکپارچه شهری در ایران، ۱۳۸۸ (مورد مطالعه شهر مشهد).
 - ۵- رجب صلاحی، حسین، ساختار حکومت محلی مدیریت شهری و شهرداری، تهران پایگاه اطلاع رسانی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۲.
 - ۶- رحیمی، طیبه السادات، تحول در مدیریت شهری تهران، معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی شهرداری، ۱۳۷۴.
 - ۷- رهنما، محمد رحیم، تبیین نقش و جایگاه برنامه جامع میان مدت در توسعه کلان شهرها، مورد مطالعه شهر مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲.
 - ۸- سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، ۱۳۸۹.
 - ۹- سایت مرجع مدیریت شهری، سال ۱۳۹۰.
 - ۱۰- سعیدنیا، احمد، مدیریت شهری کتاب سبز شهرداری، ۱۳۸۲.
 - ۱۱- سعیدی رضوانی، نوید، کاظمیان، غلامرضا، امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها، سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۲.
 - ۱۲- صوفی، محمدعلی، توسعه پایدار شهری، پایگاه اطلاع رسانی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۴.
 - ۱۳- صرافی، مظفر و عبداللهی، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، ۱۳۸۷ دانشگاه تهران.
 - ۱۴- قربانی، فرج‌الله، مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و خدمات عمومی، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۷۲.
 - ۱۵- قربانی، فرج‌الله، مجموعه مقالات مدیریت شهری، ۱۳۸۸.
 - ۱۶- کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، اسفند ۱۳۸۵، نگرش مدیران شهری در خصوص نحوه هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی.
 - ۱۷- کیانی، گشتاسب، بررسی و وضعیت و عملکرد مدیریت شهری، مطالعه موردی سکونتگاه‌های شهری استان چهارمحال بختیاری، استاد راهنما مسعود تقوایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.
 - ۱۸- ماهنامه شهردارها، سال دوم، شماره ۱۳، ۱۳۸۷.
 - ۱۹- ممقانی، ذبی‌الله، سایت مرجع مدیریت شهری، ۱۳۸۷.
 - ۲۰- ناظمی، شمس‌الدین، شهرداری تهران، معاون هنری سازمان فرهنگی هنری، ۱۳۸۷.
 - ۲۱- نیامی، علی، مدیریت شهرداری، شهرداری در ایران، ۱۳۴۹.
 - ۲۲- همایش ملی مناسب‌سازی محیط شهری، ۱۳۸۶.
- 23-MostafaMomeni,HaniehShamskooshkia,MarjanJavadian:(2011)
Application of neighborhoods council associations in sustainable urban
management based on citizen participation
24- urbanization.blogfa.com
25-www.vista.ir
26- www.noandishaan.com